



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

۲۴ جون، ۲۰۲۲

ترجمه: شهباز نخعی

فرستنده: میر عبدالرحیم عزیز

وقتی "جنوب" از پیروی از "غرب" در اوکراین خودداری می کند

به سوی یک نظم ژئوپولیتیک نو

نویسنده: ALAIN GRESH

از لوموند: [HTTPS://IR.MONDEDIPLO.COM/2022/05/ARTICLE4035.HTML](https://ir.mondediplo.com/2022/05/article4035.html)

به خلاف اکثر کشورهای غربی، در رأس آنها ایالات متحده، کشورهای «جنوب» نسبت به درگیری مسلحانه مسکو با کی یف موضعی محتاط درپیش گرفته اند. رفتار کشورهای سلطنتی و امیرنشین خلیج [فارس]، که متحد واشنگتن نیز هستند، نمونه این خودداری از پیروی از غرب است. آنها در عین حال هم از اشغال اوکراین و هم از تحریم ها علیه روسیه انتقاد می کنند. به این ترتیب دنیایی چند قطبی سربرمی آورد که به رغم اختلاف های ایدیولوژیک، در آن منافع حکومت ها است که حرف اول را می زند.

آیا جنگ اوکراین، چنان که جو بایدن رییس جمهوری آمریکا مدعی است و تحلیل گران و سیاستمداران غربی نیز مرتب آنرا تکرار می کنند، یک رودررویی جهانی بین «دموکراسی و اقتدارگرایی» است؟ رابرت کاپلان، روزنامه نگار آمریکایی از معدود کسانی است که به این پرسش پاسخ منفی می دهند. او می گوید: «حتی اگر این موضوع خلاف گمان غالب به نظر برسد، خود اوکراین هم در سال های دراز گذشته یک دموکراسی ضعیف، فاسد و از نظر نهادی کم توسعه بوده است». این کشور به گزارش «گزارشگران بدون مرز» در سال ۲۰۲۱ در رده بندی آزادی مطبوعات در ردیف ۹۷ بوده است. کاپلان می افزاید: «جنگ برسر چیزی بزرگ و اساسی تر یعنی حق مردم در تصمیم گیری برای آینده و آزاد سازی خود از بند هرگونه تجاوز است (۱)». او

به این امر بدیهی اشاره می کند که «دیکتاتورهای» بسیاری متحد و اشنگتن هستند و این کشور هم آنها را محکوم نمی کند.

اگر در کشورهای «شمال» صداهای معترض به جنگ در اوکراین به دلیل تسلط نوعی «تفکر واحد» زمان جنگ نادر است (۲)، در «جنوب» این صداها غلبه دارد و «بقیه دنیا»یی که اکثریت جمعیت دنیا را تشکیل می دهد، به این جنگ با عینک دیگری می نگرد. آقای تدروس ادهانوم قبریوس، رییس «سازمان جهانی بهداشت» این دیدگاه را تشریح و از این که دنیا اهمیتی یکسان برای زندگی سیاه و سفید، اوکراینی ها و یمنی ها و تیگره ای ها، قایل نیست و «رفتارش با نوع انسان به شکل یکسان نیست و برخی را از دیگران برابتر می شمارد (۳)» اظهار تأسف می کند. او این موضوع غم انگیز را بیشتر نیز در زمان بحران کووید-۱۹ ابراز کرده بود. این یکی از دلایلی است که تعداد مهمی از کشورها، به ویژه آفریقایی، در رأی گیری قطعنامه سازمان ملل متحد درباره اوکراین، به آن رأی ممتنع دادند. البته بیشتر این کشورها دیکتاتوری هستند اما آفریقایی جنوبی، هند، ارمنستان، مکزیک، سنگال و برزیل هم در شمار آنها بودند (۴) و هیچ کشور غیر غربی به استثنای سنگاپور حاضر به شرکت در اعمال تحریم علیه روسیه نشد.

این واقعیت را تریتا پارسی (۵) معاون اندیشکده «انستینو کوینسی برای دولت مسئول» (واشنگتن)، در بازگشت از همایش دوحه (۲۹-۲۸ مارس ۲۰۲۲) - که در آن بیش از ۲ هزار مسئول سیاسی، روزنامه نگار و روشنفکر از ۴ گوشه جهان شرکت کرده بودند- بیان می کند که کشورهای «جنوب» با «رنج مردم اوکراین احساس همدردی می کنند و روسیه را متجاوز می دانند. اما، الزامات غرب را نمی پذیرند که متوقع است آنها با قطع رابطه اقتصادی با روسیه دست به فداکاری های پرهزینه ای به بهانه حفظ «نظم کنونی مبتنی بر قانون» بزنند. این انتظار غرب و اکتشی حساسیت برانگیز ایجاد کرده است زیرا نظم کنونی تا به حال به ایالات متحده امکان داده که بدون هیچ گونه کیفی به حقوق بین المللی تجاوز کند» (۵).

نمونه این امر موضع گیری عربستان سعودی است که از شرکت در کارزار ضد روسی خودداری نموده و خواهان انجام گفتگو بین دو طرف در بحران اوکراین شده است. در این «بی طرفی» یکی از متحدان اصلی ایالات متحده در خاور نزدیک، رشته ای از عوامل نقش داشته است. در درجه اول، ایجاد «اوپک+» در سال ۲۰۲۰ (۶) که مسکو را نیز در زمره کشورهای درآورده که در مورد میزان تولید نفت مذاکره می کنند و باعث ایجاد هماهنگی پربار بین روسیه و عربستان سعودی شده و از نظر ریاض این رابطه «راهبردی» (۷) است. به عقیده ناظران نشانه چرخش

دیدار شاهزاده خالد بن سلمان، معاون وزارت دفاع عربستان سعودی از نمایشگاه تسلیحات در مسکو است و امضای یک قرارداد همکاری نظامی بین دو کشور، که مکمل همکاری پیشین در زمینه توسعه هسته ای غیرنظامی است. در سطح گسترده تر، روسیه به صورت یک مخاطب غیرقابل چشم پوشی در همه بحران های منطقه ای درآمده زیرا تنها قدرتی است که روابط پیگیر با همه بازیگران دارد، حتی هنگامی که این روابط سرد یا خصومت آمیز است: مانند اسرائیل و ایران، حوثی ها با امارات متحده عربی و ترکیه با گروه های کرد.

به موازات این امر، روابط بین ریاض و واشنگتن سرد شده است. در خلیج [فارس] این فکر رواج دارد که ایالات متحده دیگر یک متحد قابل اعتماد نیست. به عنوان نمونه از رها کردن حسنی مبارک، رییس جمهوری مصر در سال ۲۰۱۱، عقب نشینی خفت بار از افغانستان، اصرار در مذاکره با ایران در مورد مسئله هسته ای بدون در نظر گرفتن اعتراض های متحدان منطقه ای، انفعال در برابر حمله پهبادی حوثی ها به تأسیسات نفتی عربستان سعودی حتی در زمانی که دونالد ترامپ، دوست نزدیک ریاض بر سر کار بود، یاد می شود. انتخاب آقای بایدن فضا را مسموم کرد. او وعده داده بود که بخاطر قتل جمال خاشقجی، روزنامه نگار در اکتبر ۲۰۱۸، که دستگاه های اطلاعاتی آمریکا مسئولیت آن را به محمد بن سلمان (MBS) ولیعهد قدرتمند سعودی نسبت می دادند این کشور را «طرده» کند. بایدن همچنین از جنگ یمن نیز انتقاد می کرد.

تغییر به سوی یک نظام چند قطبی:

این وعده ها به هیچ وجه عملی نشد و فقط آقای بایدن از داشتن هرگونه تماس مستقیم با محمد بن سلمان خودداری کرد ولی هنگامی که راضی به گرفتن تماس شد تا درباره تحریم علیه روسیه گفتگو کند، به نوشته نشریه وال استریت ژورنال (۸) ولیعهد عربستان از گفتگو با او خودداری کرد. در ریاض گفته می شود: «ایالات متحده چرا اینقدر دیر و پس از همه متحدان غربی خود با ما مشورت می کند؟ حمایت ما نباید امری محتوم تلقی شود».

مطبوعات سعودی هم از حمله به ایالات متحده پروا نمی کنند. از جمله روزنامه منتقد «الریاض» که می نویسد: «نظم قدیم جهان که پس از جنگ جهانی دوم ظهور یافت دو قطبی بود، و پس از فروپاشی اتحاد شوروی تک قطبی شد. امروز ناظر آغاز تغییراتی به سوی یک نظم جهانی چند قطبی هستیم» و خطاب به غربی ها می افزاید: «موضع برخی از کشورها درباره این جنگ، نه دفاع از اصول آزادی و دموکراسی، بلکه منافعشان برای حفظ نظم کنونی است» (۹).

این موضع گیری که در خاور نزدیک رواج دارد، برپایه دو استدلال است: نخست این که روسیه تنها مسئول جنگ نیست و این جنگ رودررویی بین دو قدرت بزرگ برسر برتری جویی جهانی است که موضوع آن ربطی به محترم شمردن حقوق بین المللی ندارد و به دنیای عرب مربوط نمی شود. یک عضو تحریریه «الاهرام»، روزنامه رسمی دولت مصر – متحد ایالات متحده- می نویسد: «رودررویی از یک سو بین ایالات متحده و کشورهای غربی و از سوی دیگر کشورهای است که برتری جویی آنها را رد می کنند. ایالات متحده پس از آن که متوجه شده که در شکل کنونی، نظم موجود منافعتش را تأمین نمی کند، می کوشد نظم جهانی نویی ترسیم کند اما بیشتر باعث تقویت چین می شود. آمریکا از نزدیک شدن به پایان سلطه خود بر جهان به وحشت افتاده و از این نکته آگاه است که درگیری اوکراین آخرین بخت آن برای حفظ این موضع است» (۱۰).

استدلال دیگر رسانه های عرب انتقاد از زبان دوگانه «غربی ها» است. دموکراسی؟ آزادی؟ جنایات جنگی؟ حق ملت ها برای تعیین سرنوشت؟ ایالات متحده ای که صربستان و لیبی را بمباران کرده، افغانستان و عراق را اشغال نموده، آیا صلاحیت دفاع از حقوق بین المللی را دارد؟ آیا این کشور نیز از بمب های خوشه ای، بمب های فسفوری (۱۱)، گلوله های حاوی اورانیوم ضعیف شده استفاده نکرد؟ جنایات ارتش آمریکا در افغانستان و عراق با اسناد و شواهد فراوان مستند شده بدون آن که هرگز منتهی به کیفر شود و این یک اهانت به اوکراینی ها نیست که یادآوری شود که ویرانگری هایی که درحال حاضر به این کشور تحمیل می شود با فاصله زیاد کمتر از آن چیزی است که افغانستان و عراق قربانی آن بوده اند.

آیا ولادیمیر پوتین باید به دادگاه کیفری بین المللی کشانده شود؟ مزاح تاریخ آنکه واشنگتن هنوز این دادگاه را به رسمیت نشناخته است (مقاله ویلیام بوردون را بخوانید). یک سرمقاله نویس با ریشخند یادآوری می کند (۱۲) که هفته نامه «اکنون میست» در سال ۲۰۰۳ پس از اشغال عراق همراه با چاپ عکسی رنگی از جرج دبلیو بوش نوشت: (اکنون زمان برقراری صلح است- Now, the waging of peace). از سوی دیگر امروز، این هفته نامه محافل بازرگانی، پشت جلد خود را به چاپ عکسی سیاه و سفید از پوتین اختصاص داده که در جای مغز او یک تانک قرار دارد و می نویسد: «او در کجا متوقف می شود؟».

فلسطین چندین دهه است که به طور کامل اشغال شده، در صورتی که تنها بخشی از اوکراین چند هفته است که به اشغال روسیه درآمده است. اشغال فلسطین زخم زنده ای بر پیکر خاور نزدیک است که هیچ گونه احساس همبستگی در دولت های غربی ایجاد نمی کند و آنها همچنان بی قید و

شرط از اسرائیل حمایت می کنند. یک روزنامه نگار می نویسد: «یادآوری این نکته بی فایده نیست که شعارهای سرداده شده در هنگام تظاهرات، سخنان پر از خشمی که در طول سال ها و دهه ها درخواست کمک برای مردم فلسطینی ای می کند که در غزه بمباران می شوند یا در ساحل غربی رود اردن زیر تهدید یورش ها، قتل ها، ضبط زمین ها و تخریب خانه ها زندگی می کنند، بدون نتیجه مانده است. منطقه ای که در همه قطعنامه های بین المللی «سرزمین های اشغالی» خوانده شده است (۱۳)». سخنان رییس جمهوری ولودیمیر زلنسکی در برابر مجلس اسرائیل «کنست»، که وضعیت کشور خود را موازی با وضع اسرائیل و «در معرض تهدید تخریب» توصیف کرد، ناخشنودی بسیاری برانگیخت بدون آن که حمایت اسرائیل را به دست آورد که وابسته به روابط تنگاتنگ خود با مسکو است (۱۴). سرانجام، رفتار متفاوتی که با پناهندگان سفیدپوست و اروپایی اوکراینی در قیاس با پناهندگان «بقیه دنیا» که تیره و سیاه پوست یا غیراروپایی هستند می شود، ریشخندی تلخ در خاور نزدیک و همه کشورهای «جنوب» برانگیخته است.

متحدان شناور و متغییر:

گفته خواهد شد که این چیز تازه ای نیست، افکار عمومی (و رسانه های) عرب همیشه ضد غربی بوده اند. افکار در «خیابان عرب» - چنان که گاه به صورت تحقیرآمیز در مراجع اروپایی و آمریکای شمالی خوانده می شود-، وزن و اهمیت چندانی ندارد. از همه چیز گذشته، در زمان نخستین جنگ خلیج [فارس] در سال های ۱۹۹۱-۱۹۹۰، عربستان سعودی، مصر و سوریه، برخلاف نظر مردم خود، در کنار ایالات متحده در جنگ شرکت کردند. برعکس، در مورد اوکراین، همه این کشورها - و نه فقط عربستان سعودی-، با آن که از دیرباز متحد و اشنگتن هستند از عمو سام فاصله گرفتند. در ۲۳ فوریه، شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان، وزیر امور خارجه امارات متحده عربی با همتای روس خود سرگئی لاوروف در مسکو دیدار و از وجود روابط تنگاتنگ بین دو کشور ابراز خشنودی کرد و مصر از پیوستن به بیانیه نه چندان دیپلماتیک سفیران کشورهای گروه ۷ در قاهره، که اشغالگری روسیه را محکوم می کردند، خودداری نمود. حتی مراکش که متحد وفادار و اشنگتن است، به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اوکراین در ۲ مارس رأی ممتنع داد.

در همین زمان، ایالات متحده با دهها هزار سرباز مستقر در خلیج [فارس]، داشتن پایگاه های نظامی در بحرین، قطر و امارات متحده عربی و حضور ناوگان پنجم، بازیگری بزرگ در منطقه است که نادیده گرفتن یا ناراحت کردن آن می تواند خطر آفرین باشد. این امر تا حدی است که موضع گیری کشورهای مختلف عرب، و در حد گسترده تر «جنوب»، به نام یک سازماندهی جدید دنیا یا تقابل

راهبردی با «شمال» انجام نمی شود - مانند آنچه که در جنبش غیرمتعهدها در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، که متحد «اردوگاه سوسیالیست» بودند رخ داد-، بلکه به عنوان آنچه که این کشورها منافع خود می پندارند صورت می گیرد. می توان گفته لرد گولدستون انگلیسی را تکرار کرد که در عصر پس از جنگ سرد، حکومت ها دیگر دوست و پدروخوانده همیشگی ندارند، بلکه متحدان شناور و متغیری برای مدت زمان محدود دارند. آیا روی دیگر سکه تحریم های اعمال شده درباره روسیه این نیست که برخی از این کشورها در مورد مسکو موضع نرم تری بگیرند؟

درحالی که خطوط اشتراک ایدیولوژیک گذشته بهم خورده و وعده های «نظم نوین جهانی» واشنگتن در فردای نخستین جنگ خلیج [فارس] (۱۹۹۱-۱۹۹۰) در صحراهای عراق فرورفته، دنیایی چند قطبی در فضایی از هرج و مرج ظاهر می شود. این دنیای چند قطبی امکان مانور بیشتری به «بقیه دنیا» می دهد. اما پرچم شورش علیه «غرب» و نظم آن (هنوز؟) یک نقشه راه برای ایجاد دنیایی ندارد که براساس حقوق بین المللی - و نه قانون هرکه قوی تر است- اداره شود.

۱- Robert D. Kaplan, « To save democracy, we need a few good dictators », Bloomberg, ۱ er avril ۲۰۲۲
www.bloomberg.com

۲- مقاله « رویداد کامل، سقوط تحریریه » لوموند دیپلماتیک، آوریل ۲۰۲۲

<https://ir.mondediplo.com/۲۰۲۲/۰۴/article۴۰۲۳.html>

۳- Cité dans «Ukraine attention shows bias against black lives, WHO chief says », British Broadcasting Corporation (BBC), ۱۴ avril ۲۰۲۲
www.bbc.com

۴- ما وارد بحث به این موضوع نمی شویم که دموکراسی چیست، اما منظور ما در اینجا کشورهایی است که در آن انتخابات منظم و رقابتی برگزار می شود

۵- Trita Parsi, «Why non-Western countries tend to see Russia's war very, very differently », Quincy Institute for Responsible Statecraft, ۱۱ avril ۲۰۲۲
<https://quincyinst.org>

۶- Regroupement entre les pays membres de l'Organisation des pays producteurs de pétrole (OPEP) et dix autres producteurs, dont la Russie et le Mexique

Konstantin Truevtsev, «Russia's new Middle East strategy : Countries -Y
,and focal points», Valdai Discussion Club, février ۲۰۲۲
Valdai est un think tank russe de politique <https://valdaiclub.com>
.internationale

۸- مقاله «بندبازی خطرناک عربستان سعودی و امارات متحده عربی»، اورینت ۲۱
<https://orientxxi.info/magazine/article۵۴۷۶>

۹- Cité par BBC Monitoring - Saudi Arabia, Londres, ۸ mars ۲۰۲۲

۱۰- Cité par Mideast Mirror, Londres, ۷ avril ۲۰۲۲

۱۱- مقاله « بکارگیری سفر سفید در فلوجه»، لوموند دیپلماتیک ژانویه ۲۰۰۶

<https://ir.mondediplo.com/۲۰۰۶/۰۱/article۸۳۰.html>

۱۲- Al-Quds Al-Arabi, Londres, cité par Mideast Mirror, ۳ mars ۲۰۲۲

Ibid -۱۳

۱۴- مقاله « دلیل مماشات اشرائیل با مسکو چیست»، اورینت ۲۱

<https://orientxxi.info/magazine/article۵۴۷۳>

پایان